

محمد خدادادی مترجم زاده^۱

ارزیابی ساختار و محتوای مجله های فارسی زبان عکاسی از دیدگاه جامعه تخصصی عکاسی (مورد پژوهی: عکاسان دانشگاه هنر)

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶ ۴ ۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۶ ۸ ۳۰

چکیده

بهبود سطح آگاهی یکی از مهم ترین دغدغه های مراکز دانشگاهی است، و با وجود راهکارهای متعدد و متعارف آموزشی، نمی توان نقش نشریه های دوارِ مرتبط را کوچک شمرد. در واقع هدف اصلی این جستار؛ بررسی نقش نشریه های فارسی زبان عکاسی در بهبود سطح آگاهی جامعه عکاسی دانشگاه هنر در سال ۱۳۸۵ می باشد. و تحلیل کارآمدی یا ناکارآمدی آن ها با توجه به نظر مخاطبین دانشگاهی، می تواند زمینه ساز چالش سودمند خاستگاه طرفین از برقراری ارتباط سازنده در جهت بهبود آگاهی تلقی شود. به طور منطقی برای بررسی عمیق تر موضوع ضمن محدود کردن عرصه پژوهش به بازنگری شمارگان منتشر شده چند مجله در سال ۱۳۸۵ و چگونگی بازخورد مطالب آن ها نزد مخاطبین جامعه عکاسی دانشگاه هنر از طریق نظر سنجی، به مباحث نظری هم چون نقد توجه بیشتری مبذول شد. سوای نحوه تأمل برانگیز ارایه پاسخ ها (برخی طرف چند دقیقه و برخی طرف چند روز پرسش نامه را پُر نمودند)، بیشترین آرای به دست آمده به ترتیب به: نبود نقد سازنده به روند عکاسی معاصر کشور در نشریه های مورد بررسی، و به طرح دیدگاه ها به عنوان مهم ترین بحث برای بهبود آگاهی نظری عکاسان دلالت می کرد. بر اساس نمایه پاسخ های گروه هدف به محورهای: ساختار کلی و جهت مندی، مقولهبندی کارآمد موضوعات و طرح مباحث نظری کارآمد در باره مجله ها، به ترتیب؛ فصل نامه های حرفه هنرمند و عکسنامه از اقبال بیشتری برخوردار بودند. در کنار این نتایج می بایست به موضع (پاسخ) متناقض نمای برخی از اعضای گروه هدف به پرسش نامه اشاره کرد که خود چالشی دیگر است. هم چنین وجود ابهام در توقع و انتظار برخی، از ماهیت و رسالت نشریه های ادواری عکاسی دیگر هیافت این بررسی است. در نهایت ارتباط و هم اندیشی دوره ای دست اندرکاران مجله ها و مخاطبین دانشگاهی آن ها همانند طرح جستارهایی از این دست می تواند به ترسیم ساختاری متناسب با ضرورت های اکنون جامعه عکاسی در مسیر بهبود آگاهی یاری رساند.

واژه های کلیدی

مجله، آگاهی، جامعه، عکاسی، دانشگاه

Email: motarjemzadeh@yahoo.com

۱_ عضو هیأت علمی دانشگاه هنر
شهر تهران، استان تهران

مقدمه

آگاهی علمی (هنری) کارآمد و درخور جامعه دانشگاهی معمولاً از طریق مطالعه نشریه‌های ادواری داخلی و خارجی، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، منابع اینترنتی، هم‌چنین تأمل اعضای این جامعه با یکدیگر و تأمل حرفه‌ای این اعضا در سایر عرصه‌های اجتماعی تأمین و میسر می‌شود و بهبود آن به واسطه غور و استنتاج فردی و گروهی در زمینه‌های پژوهشی، تحقق می‌یابد.

بر این اساس، بهبود سطح آگاهی و به‌روزشدن نظام‌مند جامعه عکاسی دانشگاه هنر به‌عنوان بخشی از جامعه‌هنری دانشگاهی و به‌طبع آن جزیی از جریان فرهنگی کشور، امری اجتناب‌ناپذیر و توجه به سازوکارهای آگاهی‌رسان برای آن ضروری می‌نماید. نشریه‌های ادواری فارسی‌زبان عکاسی به‌عنوان یکی از راه‌کارهای مهم بهبود سطح آگاهی جامعه عکاسی دانشگاهی می‌توانند نقشی شایسته و هدف‌مند را ایفا کنند. هرچند این مجله‌ها صرفاً برای جامعه عکاسی دانشگاهی به‌طبع نمی‌رسند و مخاطبین گسترده و متنوع‌تری دارند، و درعین حال تنها منابع مورد استفاده اعضای این جامعه نیستند. اما امروز در سایه رواج گسترده شبکه‌های اطلاعاتی اینترنتی، نقش غیر قابل‌انکار این‌گونه مجله‌ها نزد قشر دانشگاهی این رشته هم‌چون دودهه پیش، چندان بسنده و کارآمد نمی‌نماید. پس چه باید کرد؟

اینک در سال ۱۳۸۶ پس از گذشت بیست و چهار سال از تأسیس رشته مستقل عکاسی در دانشگاه‌های هنر و تهران، و پانزده سال از تأسیس آن در دانشگاه آزاد اسلامی زمینه‌ای مناسب و مستعد برای طرح و جولان اندیشه‌های معاصر عکاسی در کشور پدیدار شده است. اینک پس از گذار از دوره پُرشور و التهاب (آغازین) عکاسی دانشگاهی در میهن‌مان، دوران پالایش تجربی و پویای عقاید نو فرارسیده است. امروز می‌توانیم براساس مطالعات و پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه‌های دانشگاهی و حوزه‌های عمومی‌تر، هر بخش از ارکان آگاهی‌رسان این دوران را به‌محک نقد و نظر کشانیم. در عین حال، تنها در سایه کار پژوهشی است که ساختار آموزش می‌تواند به تجدیدحیات نظام‌مند خویش، براساس نقد آگاهی و مطابق با ضرورت‌های معاصر در کشور امیدوار باشد. لذا پرداختن به مباحث و نظام‌هایی که به‌طور مستقیم و یا غیر مستقیم دیدگاه‌های عکاسی و کارکردهای اجتماعی آن را در وضعیت کنونی (نزد جامعه دانشگاهی) سمت‌وسو می‌دهد، امری اجتناب‌ناپذیر است.

بنابراین، اهتمام این جستار به تحلیل کارکرد محتوایی و اثربخشی تعدادی از مجله‌های عکاسی (در مقطع خاصی از انتشارشان) به‌عنوان یکی از اهرم‌های حساس آگاهی‌رسان، از این روی می‌باشد. به‌رغم این‌که تقریباً تمام دست‌اندرکاران مجله‌های عکاسی خود از دانش‌آموخته‌گان این رشته بوده و از نزدیک با ویژگی‌ها و کاستی‌های آموزشی عکاسی برخورد کرده‌اند، و بنا بر مسوولیت حرفه‌ای خویش و احساس تعهد نسبت به نظام آموزش و نسل‌های پس‌از خود، تاکنون در تهیه و تدوین مطالب مجله خویش، نیم‌نگاهی به محتوای آموزشی این رشته مبذول داشته و برپُرکردن خلأهای احتمالی اهتمام ورزیده‌اند، اما نیاز فعلی جامعه معاصر به دلیل گستردگی روزافزون ایده‌ها و کارکردها، با توجه به نقش وجودی این‌گونه مجله‌ها در مقابل هجوم بی‌وقفه اطلاعات هدایت‌نشده اینترنتی، به‌سان تکیه‌گاهی مطمئن جهدی سخت‌تر را می‌طلبد.

روش تحقیق

نظربه‌وجود دومتغیر دو سوی رابطه بهبود آگاهی، یعنی محتوای مجله‌ها در یک سوی و دیدگاه و توقع اعضای جامعه عکاسی دانشگاه هنر در سوی دیگر، گردآوری داده‌ها براساس مندرجات هر یک از آن‌ها تدارک دیده شد. آورده مجله‌ها به‌روش مطالعه کتاب‌خانه‌ای گردآوری شد و بررسی‌آرای اعضای این جامعه به‌روش پرسش‌نامه میدانی صورت پذیرفت.

چند ویژگی و محدودیت این تحقیق

■ گستردگی منابع آگاهی رسان و استمرارشان در یک سو و تعدد مراکز آموزش عالی دارای رشته عکاسی در سویی دیگر، نگارنده را بر آن داشت برای دست یابی به نتیجه‌ای ملموس و کارآمد که بتواند بنیانی شایسته را فراهم آورد، عملاً محدودده تحقیق را به محتوای چند نشریه ادواری منتشر شده در سال ۱۳۸۵، و بررسی بازخورد آن‌ها نزد اعضای جامعه عکاسی دانشگاه هنر تقلیل دهد.

- از میان نشریه‌های ادواری (به ترتیب حروف الفبا)، تندیس (دوهفته‌نامه)، حرفه هنرمند (فصل‌نامه)، عکس (ماه‌نامه)، عکسنامه (فصل‌نامه)، عکاسی خلاق (فصل‌نامه) انتخاب شدند. در این مجموعه، تندیس و حرفه هنرمند علاوه بر عکاسی به موضوع‌های دیگر هنری نیز می‌پردازند، اما عکس، عکسنامه و عکاسی خلاق صرفاً به عکاسی اختصاص دارند، همین‌طور عکس از همه قدیمی‌تر و عکاسی خلاق از همه نوپاتراست. علت کنار گذاشته شدن سایر نشریه‌ها، صرفاً به دلیل در دسترس نبودن آن‌ها در زمان مقرر برای گردآوری داده‌ها بود.

ارزیابی ساختار و محتوای مجله‌های فارسی ...

نامه‌هنرهای تجلی و کار بردی

۱۰۵

■ بحث راجع به تبلیغ کالایی مندرج در برخی از نشریه‌ها هدف نگارنده نبوده، و از آن جایی که می‌توانست تمرکز لازم برای موضوع اصلی پژوهش را برهم‌زند، به کلی نادیده گرفته شد. این مورد شامل اخبار و رویدادها نیز می‌شود، چون این موضوع در تمام نشریه‌ها یکسان طرح نمی‌شود؛ مجله عکس دو بخش نسبتاً مفصل رویدادهای داخلی و رویدادهای خارجی، همین‌طور بخش معرفی کتاب‌های تازه انتشار یافته، دارد. مجله عکسنامه نیز دارای بخش خبری نسبتاً مبسوطی است.

■ باید توجه داشت؛ اعضای معدود جامعه عکاسی دانشگاه هنر (و حتی دانشگاه‌های دیگر) قطعاً تنها مخاطبین نشریه‌ها نیستند، و به این لحاظ توقع نگارش و چیدمان مطالب نشریه‌ها صرفاً بر اساس میل و نیاز جامعه دانشگاهی توقع به جایی نیست. به این خاطر، تلاش نگارنده در صورت‌بندی مطالب و یافته‌های این جستار برای نیل به توقعی منطقی و مستدل متمرکز است. از طرفی، فعالیت‌های متداول پژوهشی دانشگاه‌ها با تدوین و نگارش پایان‌نامه‌ها، انتشار مجله‌های تخصصی (مانند: هنرنامه دانشگاه هنر- هنرهای زیبای دانشگاه تهران)، برگزاری سمینارها، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای مدرسان، همین‌طور انتشار نشریه‌های دانشجویی (ولو با شمارگان کم، مانند: کالوتیپ دانشجویان عکاسی دانشگاه هنر)، وسعت بخشی منابع کتاب‌خانه‌ای ...، در کنار فعالیت اصلی آموزشی، جملگی در مسیر بهبود آگاهی جامعه دانشگاهی حرکت می‌کنند.

■ از آن جایی که نوشتن راجع به کارآمدی یا ناکارآمدی محتوای نشریه‌های نام‌برده بدون رجوع به آرای مخاطبین آن‌ها، به یک سو نگری منجر می‌شود، پرسش‌نامه‌ای مطابق با شاخصه‌های مورد نظر نگارنده تهیه و بین اعضای گروه هدف (نیمی از جمعیت آملی جامعه عکاسی دانشگاه هنر) توزیع شد، (نمونه پرسش‌نامه پیوست می‌باشد).

■ پرسش‌های مطرح در پرسش‌نامه عمدتاً با عرصه مورد پژوهش خویش یعنی مبانی نظری عکاسی مناسبت دارد و به این سبب شاید ساختار پرسش‌ها یا گزینه‌های پاسخ در پاره‌ای از موارد با معیارهای رایج پرسش‌نامه‌نویسی مغایر باشد.

■ محور اصلی پرسش‌های پرسش‌نامه؛ کیفیت، ساختار و کاربرد مطالب شمارگان انتشار یافته پنج نشریه مختلف در طول سال ۱۳۸۵ می‌باشد. در طول توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها مشاهده شد؛ برخی ظرف چند دقیقه و برخی دیگر ظرف چند روز پاسخ دادند، و این شبیه پدید آمد؛ برای پاسخ‌گویی شایسته (لااقل از نظر پاسخ‌دهنده‌گانش) به چنین پرسش‌نامه‌ای که روند مطالعاتی فرد را در طول یک سال به پرسش می‌کشد، کدام برخورد صحیح‌تر می‌نماید؟ پاسخ سریع و چند دقیقه‌ای یا پاسخ مبتنی بر رجوع و بازبینی مطالب نشریه‌ها. بدیهی است انتظار نمی‌رود افراد گروه هدف تمام آن‌چه را در سال پیش خوانده‌اند به خاطر سپرده و بتوانند به پرسش‌ها دردم پاسخ‌های مناسب (از منظر خویش) دهند. اما از طرفی دیگر، در صورت رجوع مجدد به نشریه‌ها صرفاً با هدف پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه،

پاسخ‌ها چندان هم قابل اطمینان نخواهد بود. در جریان این پژوهش خواسته و ناخواسته هر دو مورد پیش آمد، و شاید یکی از طبقات فرعی و مثبت این فرآیند بازنگری مطالب نشریه‌ها توسط برخی از اعضای گروه هدف باشد، اما استوار نمودن فرضیه‌ای بر صرف پاسخ‌ها چندان مطمئن نمی‌نماید.

پیشینه تحقیق

با مراجعه به کتابخانه مرکزی دانشگاه هنر، تحقیقی از این نوع راجع به نشریه‌های ادواری عکاسی فارسی زبان یافت نشد.

فهرست یافته‌ها

۱- آورده‌های مجله‌ها

۲- روش و نتایج نظرسنجی .

(۱) عناوین و سرفصل‌های مطالب مندرج در مجله‌ها در سال ۱۳۸۵ به روش مطالعه کتابخانه‌ای گردآوری شد، و حاصل آن به اختصار محورها و موضوع‌های زیر است. لازم به ذکر است؛ شکل و ساختار هر یک از آن‌ها به فراخور سلاقی و راه‌بردهای گردانندگان‌شان در طول سال‌های انتشار، قوامی نسبی یافته و هر یک بر اساس محورهای خاص خود به چیدمان مطالب می‌پردازند. با این وصف، ساختار کلی و چیدمان مطالب شماره آخر مجله حرفه هنرمند در (زمستان) سال ۱۳۸۵، با عنوان ویژه‌نامه عصر تجدد با ساختار متعارف آن مجله متفاوت می‌نماید.

دوفصلنامه دانشگاه هنر | شماره یک | بهار و تابستان ۸۷

نامه هنرهای تجسمی و کار بردی

۱۰۶

تندیس (دو هفته نامه): از مجموع ۲۱ شماره مجله که مورد بررسی قرار گرفت:

- ۲۲ مورد به معرفی عکاسان خارجی و یا بحث راجع به آثارشان اختصاص یافته است.
- ۴ مورد به معرفی عکاسان ایرانی و یا بحث راجع به آثارشان اختصاص یافته است.
- حرفه هنرمند (فصل نامه): از مجموع ۴ شماره مجله که مورد بررسی قرار گرفت:
- ۱۱ مورد به طرح دیدگاه‌های عکاسی و یا عکاسان اختصاص یافته است.
- ۵ مورد به معرفی عکاسان ایرانی و درج آثارشان اختصاص یافته است.
- ۴ مورد به معرفی عکاسان خارجی و درج آثارشان اختصاص یافته است.
- ۱۱ مورد به طرح دیدگاه‌های کلی هنری و مرتبط با عکاسی اختصاص یافته است.

عکس (ماه نامه): از مجموع ۱۲ شماره مجله که مورد بررسی قرار گرفت:

- ۳۸ مورد به گزارش نمایشگاه عکس اختصاص یافته است.
- ۲۴ مورد به معرفی عکاسان ایرانی و درج آثارشان اختصاص یافته است.
- ۲۲ مورد به معرفی عکاسان خارجی و درج آثارشان اختصاص یافته است.
- ۴ مورد به طرح دیدگاه‌ها اختصاص یافته است.

عکسنامه (فصل نامه): از مجموع ۴ شماره (در قالب دو مجلد) مجله که مورد بررسی قرار گرفت:

- ۱۲ مورد به طرح دیدگاه‌ها اختصاص یافته است.
- ۸ مورد به معرفی عکاسان خارجی و درج آثارشان اختصاص یافته است.
- ۲ مورد به معرفی عکاسان ایرانی و درج آثارشان اختصاص یافته است.

عکاسی خلاق (فصل نامه): از مجموع ۳ شماره (در قالب دو مجلد) مجله که مورد بررسی قرار گرفت:

- ۲۳ مورد به گزارش تصویری اختصاص یافته است.
- ۴ مورد به معرفی عکاسان خارجی و یا بحث راجع به آثارشان اختصاص یافته است.
- ۳ مورد به معرفی عکاسان ایرانی و یا بحث راجع به آثارشان اختصاص یافته است.
- ۵ مورد به طرح دیدگاه‌ها اختصاص یافته است.

(۲) نظرسنجی از اعضای جامعه عکاسی دانشگاه هنر: اعضای جامعه عکاسی دانشگاه هنر شامل؛ دانشجویان رشته عکاسی در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، مسوولین گروه‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد، مسوولین لابراتوارها و مدرسین هر دو مقطع، بالغ بر ۱۲۰ نفر می‌باشند. از این جمعیت تعداد ۶۰ نفر (۲۷ مرد- ۳۳ زن) به عنوان گروه هدف (مُشت) در نظر گرفته شدند، و توزیع سهمیه‌ها بین اعضای گروه هدف بر اساس اولویت‌ها صورت پذیرفت، و از حیث جنسیت نیز، توزیع متناسب با تعداد هر جنس در گروه آموزشی صورت گرفت. و به منظور داشتن نمایه‌ای مناسب‌تر برای استنتاج داده‌ها، آمارها به صورت درصد از کل جمعیت هدف بیان می‌شود.

ارزیابی ساختار و محتوای مجله‌های فارسی ...

نامه‌هنرهای تجلی و کار بردی

۱۰۷

■ ۱۵ نفر سهمیه مسوولین و مدرسین گروه عکاسی، یعنی ۹۵٪ آنان.

■ ۹ نفر سهمیه دانشجویان کارشناسی ارشد عکاسی (۴ مرد- ۵ زن)، یعنی ۵۶٪ دانشجویان حاضر و فعال در دانشگاه (در طول مدت نظرسنجی).

و در باره دانشجویان کارشناسی، پس از حذف دانشجویان سال اول به دلیل عدم آشنایی مفید آنان با این مقوله، در مورد باقی دانشجویان به روش خوشه‌ای عمل شد و با بالا رفتن سال آموزشی دانشجویان، میزان سهمیه‌ی آنان نیز افزایش یافت.

■ ۱۰ نفر سهمیه دانشجویان سال دوم (۳ مرد- ۷ زن)، یعنی ۳۰٪ آنان.

■ ۱۳ نفر سهمیه دانشجویان سال سوم (۴ مرد- ۹ زن)، یعنی ۴۱٪ آنان.

■ ۱۳ نفر سهمیه دانشجویان سال چهارم (۵ مرد- ۸ زن)، یعنی ۶۱٪ آنان.

کار انتخاب دانشجویان هدف بر عهده سرکار خانم شهرکی و سرکار خانم علیپور از هم‌کاران گروه عکاسی بود، به این ترتیب نگارنده در انتخاب دانشجویان گروه هدف نقشی نداشت.

از ۶۰ پرسش‌نامه در نظر گرفته شده، ۵۸ عدد توزیع و، ۴۷ عدد، جواب و بازگردانده شد. پاسخ ۷۸٪ گروه هدف حاکی از مشارکت فعال آنان در این نظرسنجی بود.

میزان و تنوع داده‌های اطلاعاتی پیاده شده، گسترده‌تر از آن بود که جملگی به کار این پژوهش بیاید. بنابراین ابتدا بیشترین آراء به دست آمده ذکر می‌شود، سپس به ترتیب پرسش‌ها، پاسخ‌های آن‌ها مطرح می‌شود:

■ در صفحه اول پرسش‌نامه بیشترین آرای به دست آمده: (۱) به نبود نقد سازنده به روند عکاسی معاصر کشور در نشریه‌های مورد بررسی (در سال ۱۳۸۵) اختصاص یافته است، یعنی ۸۰٪ آرای کل.

(۲) به طرح دیدگاه‌ها به عنوان مهم‌ترین بحث برای بهبود آگاهی نظری عکاسان اختصاص یافته است، یعنی ۷۸٪ آرای کل.

■ در صفحه دوم پرسش‌نامه بیشترین آرای به دست آمده: (۱) به کیفیت خوب چاپ متن و عکس مجله حرفه‌نرمند اختصاص یافته است، یعنی ۶۸٪ آرای کل. (۲) به معرفی خوب عکاسان خارجی در مجله حرفه‌نرمند اختصاص یافته است، یعنی ۶۷٪ آرای کل.

جمع‌بندی پاسخ‌ها به ترتیب پرسش‌ها:

طرح هدف مندمباحث تاریخ عکاسی جهان	۲۷٪ قابل قبول	۳۸٪ قابل قبول	۳۶٪ قابل قبول	۳۶٪ قابل قبول
طرح هدف مندمباحث تاریخ عکاسی ایران	۲۹٪ نامناسب	۲۹٪ نامناسب	۲۵٪ قابل قبول	۲۷٪ خوب
مجله حرفه هنرمند	۲۵٪ قابل قبول	۵۳٪ خوب	۳۴٪ نامناسب	۴۴٪ قابل قبول
مجله عکاسی خلاق	۳۴٪ نامناسب	۲۹٪ خوب	۳۴٪ نامناسب	۲۷٪ خوب
مجله عکاسی خارجی	۳۶٪ قابل قبول	۶۵٪ خوب	۴۰٪ قابل قبول	۳۸٪ قابل قبول
مجله تندیس را در سال ۱۳۸۵ برای بهره گیری از مباحث نظری	۲۴٪ قابل قبول	۴۸٪ قابل قبول	۳۶٪ قابل قبول	۳۶٪ قابل قبول
مجله عکاسی خلاق	۳۴٪ قابل قبول	۳۸٪ نامناسب	۳۶٪ قابل قبول	۳۶٪ قابل قبول
گزارش تصویری از نمایشگاه عکس	۲۷٪ نامناسب	۳۶٪ قابل قبول	۳۶٪ نامناسب	۳۱٪ قابل قبول
طرح نقدهای کارآموزان نمایشگاهها	۲۹٪ قابل قبول	۶۱٪ خوب	۳۸٪ قابل قبول	۳۴٪ قابل قبول
طراحی و ترکیب Lay out	۳۴٪ قابل قبول	۶۸٪ خوب	۴۰٪ قابل قبول	۳۸٪ قابل قبول
کیفیت چاپ متن و عکس	۳۱٪ قابل قبول	۴۱٪ قابل قبول	۴۱٪ قابل قبول	۳۶٪ خوب
قیمت	۲۵٪ خوب	۳۶٪ خوب	۲۹٪ نامناسب	۳۱٪ قابل قبول

در پاسخ به پرسش اول:

۶۷٪ اعضای گروه هدف، مجله حرفه هنرمند

۴۸٪ اعضای گروه هدف، مجله عکاسی خلاق

۱۷٪ اعضای گروه هدف، مجله عکاسی خارجی

۱۴٪ اعضای گروه هدف، مجله عکاسی خارجی

۱۰٪ اعضای گروه هدف، مجله تندیس را در سال ۱۳۸۵ برای بهره گیری از مباحث نظری

مفید و لازم، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

گزارش تصویری از نمایشگاه عکس

طرح نقدهای کارآموزان نمایشگاهها

طراحی و ترکیب Lay out

کیفیت چاپ متن و عکس

قیمت

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

تشخیص دادند.

در پاسخ به پرسش سوم:

۶۱٪ نشریه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی

۳۱٪ کتب مرتبط با مباحث نظری عکاسی

۱۲٪ نشریه‌های (نام برده) مورد بررسی را در سال ۱۳۸۵، جهت بهبود آگاهی نظری

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی، سودمندتر تشخیص دادند.

عکاسی خلاق	عکسنامه	عکس	حرفه هنرمند	تندیس	
۳۱٪ قابل قبول	۴۰٪ خوب	۳۶٪ قابل قبول	۶۱٪ خوب	۲۹٪ نامناسب	ساختار کلی و جهت مندی
۴۰٪ قابل قبول	۳۶٪ قابل قبول	۳۴٪ نامناسب	۵۱٪ خوب	۴۰٪ قابل قبول	مقوله بدی کارآمد موضوعات
۳۱٪ قابل قبول	۳۴٪ قابل قبول	۳۴٪ قابل قبول	۴۰٪ خوب	۲۵٪ قابل قبول	زبان و کلام روان
۳۸٪ قابل قبول	۴۰٪ خوب	۳۴٪ قابل قبول	۴۶٪ خوب	۲۳٪ قابل قبول	طرح مباحث نظری کارآمد

۴۰٪ قابل قبول
۳۱٪ قابل قبول
۲۳٪ خوب
۳۶٪ نامناسب
۳۶٪ قابل قبول
۳۸٪ قابل قبول
۴۴٪ قابل قبول
۳۱٪ قابل قبول
۳۶٪ قابل قبول
۴۴٪ خوب
۳۴٪ قابل قبول
۲۹٪ نامناسب

ارزیابی ساختار و محتوای مجله‌های فارسی ...

نامه‌هنرهای تجمعی و کار بردی

۱۰۹

۴۶٪ علاقه‌مند بودند؛ مطالب نشریه مورد مطالعه مستقل از مطالب دیگر همان شماره باشد.
۲۹٪ علاقه‌مند بودند؛ مطالب نشریه مورد مطالعه در پیوستگی موضوعی با مطالب شماره‌های قبل و بعد قرار داشته باشد.

۲۱٪ علاقه‌مند بودند؛ مطالب نشریه مورد مطالعه در پیوستگی با مطالب دیگر همان شماره باشد.
تحلیل نمرات گروه هدف به شاخص‌های طرح‌شده نشریه‌های نام‌برده (جدول صفحه دوم پرسش‌نامه):
به منظور اجتناب از ذکر اطلاعات غیر ضروری، تنها بالاترین نمره اختصاص یافته به هر شاخصه از هر مجله، به صورت درصد از کل آرا (برای: خوب، قابل قبول، نامناسب) ذکر می‌شود.

بررسی یافته‌ها و ادامه بحث

برای نتیجه‌گیری از این داده‌ها می‌توان روش‌های گوناگونی را به کار بست، اما بهتر است از پرسش سوم شروع کنیم که پاسخ‌های آن چشم‌اندازی مناسب از جایگاه مجله‌های نام‌برده را نزد گروه هدف فراهم می‌آورد.

از مجموع پاسخ‌های پرسش سوم، نیک‌هویدا است که: ۶۱٪ نظرات گروه هدف بر استفاده از نشریه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی برای بهبود آگاهی نظری عکاسی استوار است، در حالی که تنها ۱۲٪ گروه هدف به نقش سودمند نشریه‌های نام‌برده رأی دادند و (حدوداً) ۳۰٪ باقی نیز بر نقش کتب مرتبط با مباحث نظری عکاسی صحه گذاشتند. هر چند این آمارها بر ناتوانی نشریه‌های نام‌برده در مواجهه با شبکه جهانی اطلاعات و کتاب‌ها دلالت می‌کند، اما باید به نسبی بودن این قیاس توجه کرد. هر دو آن‌ها (به بیان کامل‌تر: هر سه آن‌ها) در پرسش سوم به‌سان گزینه‌های هم‌تراز آورده شده‌اند، در حالی که از حیث کار-ماده و بُرد اطلاع‌رسانی با هم بسیار متفاوتند. در عین حال، با رجوع و بازبینی نشریه‌های نام‌برده، ملاحظه خواهیم کرد منبع بسیاری از مطالب آورده آن‌ها پایگاه‌های اینترنتی و کتاب‌ها می‌باشد. در این جا دوباره پرسشی مطرح می‌شود؛ نقش و رسالت مجله‌ها چیست؟ یا به بیان دقیق‌تر و مرتبط با موضوع این پژوهش؛ رسالت مجله‌های دوار عکاسی در قبال مخاطبینش (از جمله، جامعه عکاسی دانشگاه هنر) چیست؟ و با وجود منابع در دسترس دیگر مانند اینترنت و کتاب

چگونه تبیین می‌شود؟ می‌توان گفت اینترنت مواد خام (اطلاعات) فراوانی را به سرعت در اختیار می‌نهد، و کتاب (ها) نیز بر اساس محور موضوع خویش، مطلبی را در عرض و طول خود می‌گسترانند، در حالی که هر مجله بر اساس سیاست تحریریه خویش و متناسب با مناسبات کوتاه مدت جامعه و نیاز اکنون مخاطبین به چیدمان اطلاعات و مطالب می‌پردازد، طبیعتاً در زمان مابین دو نوبت انتشارش از قافله پرسرعت اینترنت عقب می‌ماند، در عین حال قوام و دوام کتاب را هم ندارد. با این وصف، اعضای گروه هدف (که بخشی از کاربران عکاسی هستند) بیشتر راغبند خود مستقیماً از نشریه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی استفاده کنند.

■ اگر پاسخ‌های پرسش‌های اول و دوم با هم سنجیده شود؛ یعنی نظر قاطع ۷۸٪ گروه هدف، مبنی بر اهمیت طرح دیدگاه‌ها برای بهبود آگاهی نظری عکاسان را، با نظر غالب ۶۵٪ گروه هدف، مبنی بر استفاده از مجله حرفه‌هنرمند در سال ۱۳۸۵ در نظر گرفت، می‌توان استقبالی بیشتر (تمایل به استفاده بیشتر) گروه هدف از حرفه‌هنرمند را به دلیل طرح دیدگاه‌ها تلقی کرد، و با رجوع به مطالب مندرج در چهار شماره سال ۱۳۸۵ ملاحظه می‌شود؛ به نحو مبسوطی ۱۱ مورد به دیدگاه‌های عکاسی و عکاسان پرداخته‌است، و البته در کنار آن (حدوداً) ۱۱ مورد نیز به دیدگاه‌های کلی هنری و مرتبط با عکاسی پرداخته‌است. همین‌طور با توجه به امتیاز ۶۱٪ خوب گروه هدف برای ساختار کلی و جهت‌مندی آن مجله، امتیاز ۵۱٪ خوب برای مقوله‌بندی کارآمد موضوعات و امتیاز ۵۳٪ خوب برای بررسی دیدگاه‌های رایج در جهان، کیفیت مطلوب این مجله نزد گروه هدف تأیید می‌شود. با این حال باید توجه کرد؛ ریزامتیازات داده‌شده توسط گروه هدف به پرسش‌های شانزده‌گانه، قاطعیت و قطعیت زیادی ندارد و به همین سبب در برخی موارد نشریه‌ها امتیازات نزدیک به هم کسب کرده‌اند. بنابراین نمی‌توان هیچ‌یک از آن‌ها را پیروز (تنها پیروز) این نظرسنجی دانست، و این نکته می‌تواند به یک ویژگی مثبت دلالت کند: هیچ‌یک از نشریه‌های نام‌برده به تنهایی تمام وجوه و سازوکارهای بهبود آگاهی‌رسانی را در عرصه‌های نظری عکاسی در اختیار ندارند، بلکه هر یک می‌بایست بخشی از این فرآیند را سامان دهند.

■ درباره پرسش چهارم؛ پاسخ نسبتاً قاطع ۶۳٪ گروه هدف به گزینه تاحدی (حدوداً موافق با) برای موضوع؛ برآورده شدن نیازهای نظری جامعه عکاسی از طریق نشریه‌های نام‌برده، حاکی از ابراز موضعی بینابین و قائل به حداقل کارآیی مفید نشریه‌های نام‌برده می‌باشد. با توجه به پاسخ پرسش سوم (که پیش‌تر بررسی شد)، این نیز تأکیدی است بر تمایل بیشتر گروه هدف به استفاده از نشریه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی (در مرحله نخست)، و رجوع به کتاب‌ها (در مرحله بعد).

■ درباره پرسش پنجم؛ متأسفانه بیشترین رأی گروه هدف یعنی ۸۰٪، از نبود نقد سازنده به روند عکاسی معاصر کشور (در سال ۱۳۸۵) در نشریه‌های نام‌برده حکایت می‌کند. به رغم ترویج بینش نوین نقد و حتی تلاش در آموزش نظام‌مند آن در دانشگاه‌ها، متأسفانه هنوز نتوانسته‌ایم از آن به‌عنوان ابزاری کارآمد (شاید کارآمدترین ابزار) جهت بهبود سطح آگاهی جامعه عکاسی بهره ببریم. در حالی که متناوباً در نشریه‌های نام‌برده و سایر مکتوبات ادواری، کم و بیش با مواردی نقدگونه مواجه می‌شویم، که موضوع آن‌ها تک‌عکس، نمایشگاه، مسابقه‌های عکاسی، مقاله و دیدگاه فردی می‌باشد، گروه هدف در این نظرسنجی قاطعانه به‌نبود نقد مؤثر در نشریه‌های نام‌برده رأی داد. پاسخ جامعه عکاسی دانشگاه هنر به‌عنوان بخشی از جامعه عکاسی کشور که مسوولیت فراگیری و آموزش نظام‌مند عکاسی را متناسب با ضرورت جامعه و منافع صنفی و اعتباری عکاسی در محدوده راه‌برد و توانایی خویش برعهده دارد، بر این امر دلالت می‌کند که؛ مجله‌های نام‌برده باید بسیار بیش از این، به موضوع نقد و جهت‌گیری هدف‌مند آن بپردازند. آن‌چه توسط مجله‌های ادواری می‌تواند (می‌بایست) صورت پذیرد، به دلیل پیوستگی ساختارشان در جریان زمان، شاید جامعیت و جهان‌شمولی کتاب، و برخورد آزاد، پرسرعت، متنوع و متعدد پایگاه‌های اینترنتی را نداشته باشند، لیکن شکل‌گیری هر شماره (از مجله‌ها) متعاقب شماره قبل، امکان تکمیل و تصحیح (هم‌زمان) هر مطلبی در باره جریان نقد را در شرایط اکنون جامعه خویش فراهم می‌کند. این راه‌برد شاید مناسب‌تر از آنی باشد که برخی

از نشریه‌ها از حیث عمق و محتوای هر شماره، بنای رقابت با کتاب را دارند، و برخی دیگر از حیث به‌روز بودن و ذکر آخرین‌های اندیشه با اینترنت مسابقه می‌دهند.

هر چند امروز نقد برای ما (به‌عنوان اعضای جامعه عکاسی) مقوله‌ای ناآشنا نیست که از آن به‌راسیم و یا آن را در مشاجره‌های نوبتی (دو عکاس که هر یک خود را از دیگری عکاس تر می‌داند) در شماره‌های متوالی مجله‌ها، منحصر بدانیم. نقد امروز حتی می‌تواند در صدد تأیید و نکوهش اثری یا جریانی برنیاید، و بر مدار اسطوره‌سازی یا تخریب شخصیتی نگردد.

در صورت پذیرش نقد به‌سان یک ضرورت فایده‌مند، می‌بایست فواید آن را ورای موارد و نمونه‌های آورده در مجله‌های مورد بحث (سال ۱۳۸۵) جستجو کرد، که در غیر این صورت پاسخ‌گروه هدف، بر ناکارآمدی و فقدان آن متفق نبود. شاید بخشی از این فایده در ترسیم ساختار صحیح فضای عکاسانه‌ای که در آن می‌اندیشیم و زندگی می‌کنیم و تحلیل اجزا و روابطشان، و مقوله‌بندی جریان‌های نظری موجود در جامعه، معنی یابد. اما به‌هیچ‌روی نمی‌توان نسخه‌ی آن را یکباره پیچید، ترسیم (نقد) این ساختار همانند تنیدن تار و پودش فعالیت‌ی زمان‌مند است و چه بستری مناسب‌تر از مجله‌های ادواری عکاسی برای احیا و مقوله‌بندی آن یافت می‌شود، که در طول انتشار شماره‌های متوالی‌شان می‌توانند به تغییر جهت، یا مکث بر موضوعی خاص، یا سایر روی‌کردهای متناسب با خواستگاه خوانندگان‌شان به‌پردازند.

■ درباره پرسش ششم؛ هیچ‌کدام از پاسخ‌ها قاطع نیست، قانونی نیز وجود ندارد که بر اساس آن مطالب مجله الزاماً مستقل از هم، در پیوستگی با هم و یا در پیوستگی موضوعی با مطالب شماره‌های قبل و بعد خود باشد. هر چند در تحلیل موضوع پرسش پنجم برای تبیین مواضع نظری کارآمد و آرایه نقد سودمند در مجله‌ها بر استمرار و پیوستگی آن پای‌فشرده‌ایم، لیکن این مورد امری سلیقه‌ای است و از ساختار مجله و سیاست‌گردانندگان‌ش جهت می‌گیرد. جالب این‌که؛ پاسخ غالب ۴۶٪ (البته در مقایسه با ۲۹٪ پ و ۲۱٪ ن) بر استقلال مطالب نشریه از یکدیگر دلالت می‌کند، در حالی که، مجله حرفه‌هنرمند که بیشترین آرای رجوع و بهره‌وری (گروه هدف) را به‌خود اختصاص داده‌است، عموماً مطالب آورده در هر شماره‌اش به‌گونه‌ای در پیوستگی با هم قرار دارد.

■ علاوه‌بر داده‌های آرایه شده در جدول صفحه دوم پرسش‌نامه، از مجموع آرای گروه هدف به ویژگی‌های ۱۶ گانه هر مجله، نسبت به مجموع پاسخ‌ها یعنی عدد ۱۶، و بیشترین امتیاز آورده خوب، قابل قبول و نامناسب در هر ستون، جمع‌بندی کلی‌زیر برای هر مجله به‌دست می‌آید.

تندیس:	حرفه‌هنرمند:
۶٪ خوب	۶۸٪ خوب
۶۸٪ قابل قبول	۱۸٪ قابل قبول
۲۴٪ نامناسب	۱۲٪ نامناسب

عکس:	عکس‌نامه:
۰٪ خوب	۳۱٪ خوب
۶۸٪ قابل قبول	۶۷٪ قابل قبول
۳۲٪ نامناسب	۰٪ نامناسب

عکاسی خلاق:
۱۳٪ خوب
۷۵٪ قابل قبول
۱۲٪ نامناسب

■ علاوه‌بر امتیازات فوق، نمایه پاسخ‌های گروه هدف به محورهای؛ ساختار کلی و جهت‌مندی، مقوله‌بندی کارآمد موضوعات و طرح مباحث نظری کارآمد در باره پنج مجله نام‌برده، نیز از اهتمام

و موفقیت نسبی حرفه هنرمند و عکسنامه در طرح و انتشار جهت مند مباحث نظری حکایت دارد. با این وصف، آن طور که پیش تر اشاره شد؛ بیش ترین آرای اخذ شده بر وضعیت قابل قبول (متوسط) نشریه های مورد بررسی دلالت می کند. این نتیجه می تواند موجب دو گمان شود: گمانی که بر گنگی کارکرد و رسالت مجله های ادواری عکاسی یا گنگی توقع گروه هدف (به عنوان بخشی از جامعه عکاسی) از این مجله ها مبتنی است، و گمان دیگر به واسطه ابهام و احتیاط (بیش از حد) پاسخ های گروه هدف به پرسش های این نظر سنجی در ذهن نگارنده شکل گرفت.

در باره مورد اول می توانیم با مراجعه به مطالب آورده چند مجله خارجی آبونمان کتاب خانه مرکزی دانشگاه هنر، قیاسی نسبی را صورت دهیم. نسبی از آن جهت که بنا بر کارکرد موضوعی - موضوعی هر مجله (خارجی) نمی توانیم مطمئن باشیم چیدمان مطالب آن ها کاملاً با ضرورت های ما منطبق باشد، هر چند (در ظاهر) بیشتر آورده های آن ها مورد استفاده ما قرار می گیرد.

۱) مجله انگلیسی عکاسی The British Journal of Photography که هفته نامه ای تخصصی است،

حول محورهای زیر مطلب ارایه می کند:

■ اخبار فستیوال ها، نمایشگاه ها و سایر خدادهای مهم و تفسیر آن ها (بنا بر ضرورت)

■ راجع به عکاسی در کشورهای دیگر

■ راجع به عکاسان، فعالیت و آثار آن ها

■ مطالب علمی راجع به انواع محصولات عکاسی و پیشرفت های آن ها

۲) تکنیک های عکس (عکاسی) Photo Techniques دوماهانه ای که در آمریکا منتشر می شود و به

عکاسی دیجیتال و آنالوگ می پردازد، حول محورهای زیر مطلب ارایه می کند:

■ معرفی عکاس

■ معرفی محصولات جدید عکاسی

■ معرفی شیوه های تکنیکی در عکاسی آنالوگ و دیجیتال

■ طرح مسائل نظری در باره عکس (از جمله نقد عکس)

۳) تازه های حوزه عکس (عکاسی) Photo District News ماهنامه ای که در آمریکا منتشر می شود

و به تکنیک ها و طرح پیشنهاد برای عکاسان حرفه ای می پردازد، حول محورهای زیر مطلب ارایه

می کند:

■ اخبار عکاسی

■ معرفی عکاسان

■ معرفی محصولات جدید عکاسی

■ معرفی آثار عکاسان

■ معرفی شیوه های عکاسی دیجیتال

با توجه به آورده های هر سه مجله (خارجی) در می یابیم آن ها تفاوت چندانی با آورده های مجله های داخلی ندارند، آن ها نیز علاوه بر مباحث نظری و نقد به اخبار و زمینه های علمی، تکنیکی - ابزاری می پردازند. پس چرا گروه هدف عمل کرد مجله های مورد بررسی را عموماً متوسط ارزیابی می کند؟ با توجه به نظر غالب و قطعی این گروه به نبود نقد سازنده به جریان عکاسی معاصر کشور؛ آیا توقع گروه هدف مبنی بر پرداخت به نقد صرف در این مجله ها به عنوان اصلی ترین چاره بهبود آگاهی نظری جامعه عکاسی، آرمان گرایانه و غیر منطقی نمی نماید؟ مجله های عکاسی (در ایران) دقیقاً برای حفظ ساختار و منافع خویش در قبال طیف متنوع و گسترده خوانندگان شان، علاوه بر پرداخت هدف مند و متناسب با ساختار خویش به نظام نقد می بایست به عرصه های دیگر مورد نیاز و درخواست کاربران خویش توجه کنند، و تاکنون نیز کم و بیش به آن پرداخته اند. بنابراین نگارنده معتقد است: ارزیابی متوسط از ساختار کلی نشریه های نام برده صرفاً به دلیل نبود نقد کارآمد در آن ها (از دید گروه هدف) چندان شایسته و سزاوار نمی نماید.

درباره مورد دوم؛ به نظر می‌رسد بعضی از اعضای گروه هدف در حالی که می‌توانستند به برخی گزینه‌ها یا شاخص‌ها رأی یا نمره ندهند، تحت اجباری مرموز، خود را به دادن پاسخ مقید کرده‌اند، و یا با دادن نمرات یکسان به تمام ویژگی‌های ۱۶ گانه یک مجله (به خصوص با نمره پایین ۳) گونه‌ای از جهت‌گیری غیرمنطقی را به نمایش گذاشته‌اند. این برخورد مغرضانه (و بعضاً ناشایست برای جامعه دانشگاهی) در باره مجله عکس کاملاً مشهود است. اگر قرار باشد هر مجله تنها بخشی از بار آگاهی‌رسانی را بر عهده گیرد، مجله‌های این مجموعه ضرورتاً می‌بایست حول محورهای گوناگونی مطلب در خود جای دهند، دیدگاه‌های متنوعی را ارائه کنند و هر یک از آن‌ها بخشی از ضرورت‌های جامعه عکاسی را پاسخ دهند، و دانشگاه نمی‌تواند و نمی‌بایست خود را متولی یا شارع کل جامعه عکاسی بداند و خواسته و صلاح‌اندیشی خود را به سایرین تحمیل کند.

نتیجه‌گیری

علی‌ناگر آمدی نشریه‌های ادواری در بهبود سطح آگاهی جامعه عکاسی دانشگاه هنر (۱۳۸۵):

توقع وهم‌آلود و آرمانی اعضای این جامعه از رسالت و کارکرد مجله‌ها در جهت بهبود آگاهی، در حالی ۶۱٪ آنان بر استفاده از نشریه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی و ۳۰٪ آنان بر استفاده از کتاب‌ها صحه می‌گذارند.

نبود ساختار نقد سودمند در نشریه‌های نام‌برده.

نبود بینش تکامل یافته و کارآمد از موضوع مقوله‌بندی نزد اعضای جامعه در یک سو و چیدمان مطالب نشریه‌ها در سوی دیگر.

صرف کافی پنداشتن محتوای (حتی مطلوب) مجموعه آگاهی‌رسان برای بهبود سطح آگاهی نظری، بدون توجه کافی به امر فردی و یا گروهی استنتاج یافته‌های مندرج در آن‌ها.

کمبود دیدگاه‌های رایج جهان و ایران در نشریه‌های نام‌برده.

عدم انعکاس سودمند نظرات جامعه عکاسی دانشگاهی، راجع به محتوای مجله‌های نام‌برده.

عوامل سبب‌سازگرآمدی نشریه‌های نام‌برده جهت بهبود سطح آگاهی جامعه عکاسی دانشگاهی:

ابهام‌زدایی از توقع جامعه عکاسی دانشگاهی از جایگاه، رسالت و کارکرد نشریه‌های ادواری عکاسی.

توجه و به‌کارگیری ویژگی تسلسل مجله‌های ادواری جهت طرح جریان‌های پیوسته تکامل‌یابنده و به‌روز عکاسی، این ویژگی مجله می‌تواند عمق و سکون کتاب و گستردگی سطحی اطلاعات اینترنتی را تعدیل و کاربردی کند.

لزوم بازبینی مداوم ساختار نشریه‌ها توسط دست‌اندرکارانش با توجه به گروه مخاطبین و ضرورت‌های روز.

پرداخت بیش از پیش به طرح دیدگاه‌های نظری رایج در ایران.

پرداخت جدی و چندجانبه به مقوله نقد و تعمیم آن به عرصه‌های نظری رایج در ایران.

توجه جدی به مقوله استنتاج یافته‌ها جهت بهره‌گیری آن‌ها در عرصه‌های نظری رایج در ایران

انعکاس مداوم نظرات و دیدگاه مخاطبین و کاربران مجله‌ها در جهت تشویق و ترغیب آنان به حضور فعال آنان در عرصه‌های نظری.

تشکر و قدردانی

از هم‌پیری همکاران محترم در گروه آموزشی عکاسی دانشگاه هنر؛ سرکار خانم شهرکی، سرکار خانم علیپور و آقای داود دلیریان برای توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های نظرسنجی صمیمانه تشکر می‌کنم.

فهرست منابع

- (دوهفته‌نامه) تندیس ، ۲۱ شماره منتشرشده در سال ۱۳۸۵
(فصل‌نامه) حرفه‌هنرمند ، ۴ شماره منتشرشده در سال ۱۳۸۵
(ماه‌نامه) عکس ، ۱۲ شماره منتشرشده در سال ۱۳۸۵
(فصل‌نامه) عکس‌نامه ، ۴ شماره منتشرشده (در قالب دو مجلد) در سال ۱۳۸۵
(فصل‌نامه) عکاسی خلاق ، ۳ شماره منتشرشده (در قالب دو مجلد) در سال ۱۳۸۵
Photo Techniques (us bimontly magazine) july& august/2006
(pdn) Photo District News (us monthly magazine) January/2007
The British Journal of Photography (uk weekly magazine) march/21/2007

دوفصلنامه دانشگاه هنر | شماره یک | بهار و تابستان ۸۷

نامه‌هنرهای تجسمی و کار بر روی